



سقط جنین در حقوق ایران

مقصود زوار

دانش آموخته کارشناسی ارشد، رشته حقوق جزا و جرم‌شناسی، واحد مراغه، دانشگاه آزاد اسلامی، مراغه، ایران (نویسنده مسئول)

Ranginkamans79@gmail.com

آرزو قربانی

دانش آموخته کارشناسی ارشد، رشته حقوق خصوصی، واحد مراغه، دانشگاه آزاد اسلامی، مراغه، ایران

arezoughorbani21@gmail.com

چکیده

زمینه و هدف: سقط جنین در اصطلاح پزشکی عبارت است از اخراج، عمدی مصنوعی یا خودبه‌خود جنین قبل از موعد طبیعی به‌گونه‌ای که قابلیت حیات مستقل نداشته باشد و از لحاظ حقوقی نیز به اخراج حمل قبل از موعد طبیعی به‌نحوی که زنده یا قابل زیستن نباشد یا به تعبیر دیگر منقطع ساختن دوران طبیعی بارداری اطلاق دارد. سقط جنین عمدی در اکثر قوانین، به‌استثنای مواردی که به لحاظ وجود معاذیر پزشکی و غیرپزشکی مجاز اعلام شده است به‌عنوان یک جرم تلقی می‌شود.

روش تحقیق: پژوهش حاضر مبتنی بر بررسی اسناد کتابخانه‌ای و توصیف شرایط سقط درمانی با استمداد از مطالعه تطبیقی در منابع موردنظر باهدف بررسی جامع قوانین جزایی در مورد سقط جنین صورت گرفته است.

یافته‌ها: بر این اساس و با استناد به قوانین جزایی موجود این‌گونه استنباط می‌شود که در قوانین ایران هر نوع سقط جنین به‌جز در موارد خاص جرم تلقی گردیده و تنها مجازات دیه بر آن بارشده است. و ریشه آن نیز الهام گرفته از فقه اسلامی و توجه به حیات جنین از باب انسان و موجود زنده‌بودن، بوده است.

نتیجه: مجازات جنینی که در آن روح دمیده شده است با توجه به نوع مجازات مقرر، انسان کامل در نظر گرفته نشده و به‌جای قصاص تنها دیه در نظر گرفته شده است. و این نشانگر نوعی احتیاط قانون‌گذار در برخورد با یکسری واقعیت‌های لازم برای سقط جنین در زندگی امروزی و مواجهه با فقه اسلامی بوده است.

کلید واژگان: سقط جنین، سقط درمانی، سقط جنین جنایی، حق حیات



مقدمه

از میان تمامی حقوق متعلق به ذات بشر، یک حق سایر حقوق را تحت شعاع خود قرار داده، چندان که بدون آن سایر حقوق بشری اعم از ذاتی و غیر، آن امکان تعیین نمی‌یابند. این حق عبارت است از حق انسان بر حیات. متصف ساختن وضعیت موجودات زنده به این صفت بدان معنا که موجود مورد بحث دارای استعداد رشد، توسعه بلوغ و جایگزین نمودن سلول‌های مرده به واسطه سلول‌های زنده می‌باشد.

از منظر علم هر انسان زنده دارای شخصیت است. شخصیت عبارت است از شایستگی شخص برای دارا شدن حق و تکلیف و در حقوق اسلامی هر انسان زنده‌ای از شخصیت برخوردار است و حمل نیز از شخصیت برخوردار است، مشروط به آنکه زنده به دنیا آید. (ساکت: ۴۲)

معتبرترین معیارها برای تشخیص لحظه شروع شخصیت معیارهای متعلق به علوم پزشکی است. از نظر علم پزشکی، به‌ویژه شاخه جنین‌شناسی، حیات انسان از لحظه لقاح آغاز می‌شود. بدین ترتیب بارور گشتن یک تخمک انسانی توسط یک اسپرم انسانی که ظرف مدت کوتاهی عضو جدیدی را به اعضای خانواده انسانی می‌افزاید هم‌زمان با شروع حیات در انسان است. لقاح یعنی به هم پیوستن شمار مشخصی کروموزوم نیمی از سوی پدر و نیمی از سوی مادر در لحظه‌ای خاص از زمان هر یک از کروموزوم‌های پدر و مادر به محض پیوستن به یکدیگر تشکیل یک زایگوت یا سلول تخم را می‌دهند که ماهیتی جدا از دو کروموزوم سازنده آن دارد پس از این مرحله، نوبت به تعیین جنسیت می‌رسد بدین شرح که اسپرم حامل X موجب تولید جنین مؤنث (XX) و اسپرم حامل Y موجب تولید مذکر (XY) می‌گردد. از این جهت می‌توان گفت جنس از همان لحظه به ثمر نشستن عمل لقاح معلوم است.

تقریباً تمامی متون راجع به مسائل پزشکی در این باره موافق‌اند که جنین انسان از نظر ژنتیکی انسان محسوب می‌شود و یک واحد زنده مجزا است که از نظر ارگانیک منفرد بوده و دارای توان قائم‌به‌ذات خود برای منظم نمودن مکانیسم رشد، تکثیر سلولی و تمایز از سایر موجودات پیرامونی است و به‌طور طبیعی می‌تواند مبدل به یک انسان بالغ گردد بنابراین می‌توان گفت موفقیت عمل لقاح به‌طور طبیعی به معنای شروع حیات در یک فرد جدید است و باز بر همین اساس می‌توان گفت: جنین یک فرد جدید زنده به شمار می‌رود که از نظر ساختاری دارای ارگان‌بندی مستقل از اجسام والدین بوده و تمامی اطلاعات ژنتیکی لازم برای دستیابی به رشد جسمی و عقلی را در خود نهفته دارد. پیشرفت‌های علم پزشکی در لقاح خارج رحمی نیز مؤید استقلال حیات جنین است. (مهرگان، ۱۳۸۴: ۴۱۵-۴۱۴)

۱- سقط جنین

جنین در لغت عبارت است از هر چیز پوشیده و مستور (فیروزآبادی بی‌تا: ۸۷) و (به نطفه تا زمانی که در شکم زن باشد و به بچه‌ای که زهدان مادر آن را پوشانیده و از دیده پنهان است، اطلاق می‌شود) (معلوف، ۱۹۶۰: ۶۶) بر اساس تعریف کمیته منتخب سنای استرالیا که به‌منظور بررسی قانون "آزمایشات جنینی مصوب ۱۹۸۵" تأسیس گردید جنین به معنای تخمک بارور شده‌ای است که می‌تواند مراحل پیاپی حیات را تا بلوغ کامل طی کند و از نظر ژنتیکی به معنای یک انسان جدید مستقل و توانا به توسعه است. (Yanagimachi, 1988: 135)

هرگاه پای حقوق بشر در میان باشد، مقوله حیات انسانی آن چنان رخ می‌نماید که نادیده انگاشتن حجمی ماثبه نفی تمامی حقوق بشر است. آنچه مسئله جنین را از اهمیت ویژه‌ای برخوردار می‌سازد نیز همین مقوله حیات انسانی است. بدین ترتیب اگر بر آن باشیم که جنین مکنون در بطن مادر فقط یک توده سلولی با حجمی مشخص از هسته و پروتوپلاسم است و دیگر هیچ، در آن صورت مسئله سقط جنین از اهمیت چندانی برخوردار نخواهد بود و هرآنگاه که میان تجویز استمرار حیات آن و سلامتی



روحی یا جسمی مادر مخیر گردیم، انتخاب دوم، گزینه اصلح است؛ اما در غیر این صورت اختیار یکی از دو حیات مستقل مستلزم ارائه ادله قدرتمندی است.

به عبارت دیگر اگر بر آن باشیم که جنین انسانی، انسان است و طبعاً دارای شایستگی لازم برای تمتع از حقوق مترتب و بر مفهوم شخصیت می‌باشد در چنین حالتی مشروع تلقی کردن قتل او به هر دلیلی از جمله ممانعت از تزاید معلولیت در متن اجتماع، مبارزه با فقر و... متضمن تخطی از برخی اصول شناخته شده حقوق بشر، چون حق بر حیات و ممنوعیت محروم ساختن بشر از این حق است که توسط اسناد بین‌المللی ناظر بر اجرای حقوق بشر، مانند اعلامیه جهانی حقوق بشر کنوانسیون منع و مجازات جنایت امحاء نژادی و ... جرم بین‌الملل شده است.

در همین رابطه برخی حقایق عبارت‌اند از: ۱- ضربان قلب جنین از هجدهمین روز تلاقی کروموزوم‌های پدر مادر قابل استماع است ۲- امواج الکتریکی حاصل از فعالیت‌های مغزی جنین، چهل روز پس از تلاقی کروموزوم‌ها قابل رؤیت است ۳- با توجه به توانایی‌های علمی معاصر، جنینی که بیست هفته از عمر او می‌گذرد می‌تواند در خارج از رحم به حیات طبیعی خود ادامه دهد به‌ترتیب با فرض وجود شخصیت انسانی در جنین موجه جلوه دادن قتل وی مستلزم تخطی از قواعد حقوقی است.

در اصطلاح حقوقی دو تعریف متفاوت از سقط جنین ارائه شده است که در یکی هدف قانون‌گذار از ممنوعیت سقط جنین حمایت از وجود و حیات طفل است و در دیگری تکامل عادی و طبیعی دوران بارداری مادر طبق تعریف اول، سقط جنین عبارت است از کشتن یا اخراج جنین از روی قصد و اراده و مطابق تعریف دوم، سقط جنین به معنای منقطع ساختن مصنوعی دوران طبیعی بارداری است. نتیجه پذیرش تعریف دوم این است که تاریخ سقط جنین اهمیتی نخواهد داشت و صرف نظر از این که جنین دارای روح باشد یا نباشد سقط آن ممنوع است. ثانیاً شرط سقط جنین مردن آن پس از سقط نیست و ثالثاً لازم نیست جنین قبل از سقط زنده باشد. به نظر می‌رسد هیچ‌یک از این دو تعریف را به‌تنهایی نمی‌توان پذیرفت؛ زیرا جامع‌ومانع نیستند و باید با توجه به منابع حقوق سقط جنین را تعریف کرد. شایان ذکر است که در کتب فقهی اصولاً تعریفی از سقط جنین ارائه نشده است ولی می‌توان پذیرفت که سقط جنین عبارت است از ایجاد وقفه در سیر طبیعی بارداری به نحوی که منجر به از بین رفتن قابلیت حیات جنین در بیرون از رحم یا در داخل رحم شود.

۲- مراحل و روش‌ها نسبت به سن

سقط جنین از نظر پزشکی با توجه به مراحل بارداری در چهار مرحله شرح زیر محقق می‌گردد که حسب مورد شرایط ابزار و تخصص لازم برای اجرای آن متفاوت است؛

۱-۲. نخستین روزهای بارداری

منظور از نخستین روزهای بارداری دو هفته نخست پس از بارداری است. در این مرحله عمل سقط جنین معمولاً با دو روش صورت می‌پذیرد

- روش‌های خانگی که از خلال آن‌ها سعی می‌شود به‌واسطه ارتکاب اعمالی چون تحرک بدنی شدید، پریدن از بلندی، حتی وارد ساختن ضربه به شکم و ... مبادرت به اسقاط جنین گردد. انجام اعمال پیش‌گفته ممکن است به خونریزی بیش‌ازحد و عواقب ناخوشایند دیگر و نیاز به دریافت خدمات مراکز بهداشتی گردند؛ هرچند درصد چنین عواقب نامطلوبی چندان بالا نیست

- روش‌های دارویی که معمولاً تحت نظر پزشک و با مصرف داروهای ایجاد قاعدگی مصنوعی مانند RU486 یا Methotrexate و ... منظور مورد نظر حاصل می‌گردد. شایان ذکر است پس از سپری شدن دوران مرحله نخست انجام سقط جنین با کمک دارو توسط افراد بی‌صلاحیت یا روش‌های خانگی ممکن است عواقب سوء ایجاد گردد بنابراین در مراحل بعدی این امر مستلزم به‌کارگیری ابزار جراحی و درجه بالاتری از تخصص در فرد ساقط کننده جنین است.



۲-۲. سه ماهه نخست

روش‌های مشهور سقط جنین در این دوره عبارت‌اند از:

- اخراج قاعدگی: که شرح آن در بند ب ۱ ارائه شد.

- مکش - تخلیه: در این روش جراح مبادرت به ایجاد بی‌حسی موضعی در ماهیچه حلقوی گردنه رحم کرده و آن را به کمک ابزار خاصی کاملاً باز می‌کند که به علت انقباض طبیعی دهانه رحم برای حفظ جنین عملی بسیار مشکل محسوب می‌شود؛ سپس با فروکردن لوله‌ای پلاستیکی مجهز به نوکی چاقو مانند به درون رحم، شروع به تراشیدن و مکش جنین از سطح داخلی دیواره رحم می‌کنند که منتهی تکه شدن جنین و درنهایت اخراج آن از رحم می‌گردد توضیح آنکه قدرت دستگاه مکنده مذکور حداقل ۲۹ برابر قدرت جاروهای برقی خانگی است. (مهرگان، ۱۳۸۴: ۴۱۶)

- گشاد سازی و کورتاژ (D&C): این روش مشابه روش مذکور در بند ب است با این تفاوت که ابزار کار یک قطعه فلزی معروف به چاقوی کورتاژ است که به کارگیری آن احتمال خونریزی را بالا می‌برد

۲-۳. سه ماهه دوم

در این دوره زمانی نیز روش‌های خاصی برای انجام عمل سقط جنین وجود دارد که در اینجا به ذکر مشهورترین آن‌ها از دهه ۷۰ میلادی تاکنون خواهیم پرداخت.

- مسمومیت بانمک: این روش به دلیل خطراتی که برای مادر در پی داشت. امروزه چندان شایع نیست و عبارت است از اعمالی که پس از هفته شانزدهم بارداری انجام می‌شود و شامل فروکردن یک سوزن بلند به شکم زن باردار است که از خلال دیواره شکمی او وارد کیسه جفت " و مقدار معینی از محلول نمک را به مایع درون کیسه تزریق می‌نمایند. دیری نمی‌پاید که کودک شروع به جذب محلول نموده و برائر آن مسموم می‌گردد. این مسمومیت که شامل خونریزی داخلی شدید در جنین شوک و سرانجام مرگ او می‌گردد توأم با تکان‌های شدید و گاه تشنج است و روند مرگ در خلال آن طولانی و معمولاً بیش از یک ساعت به طول می‌انجامد آنگاه زن دچار حالت درد طبیعی زایمان شده و کودک مرده را متولد می‌سازد

- روش گشاد سازی و انتقال (D&E): این روش که به سرعت جایگزین روش مسمومیت بانمک شد در حقیقت عبارت است از جداسازی اندام جنین و خارج ساختن آن‌ها از رحم زن، بدین شرح که پس از گشاد سازی ماهیچه حلقوی گردن رحم ابزار انبردست مانندی را وارد رحم می‌کنند علت به کارگیری چنین ابزاری همانا شروع تجمع کلسیم در بافت استخوانی جنین و در نتیجه سفت شدن بدن اوست ساقط کننده جنین با داخل ساختن ابزار به درون رحم و گرفتن نخستین اندام قابل دسترس کودک، با حرکتی محکم و حساب شده شروع به شکستن استخوان‌ها و دریدن اندام از بدن و خارج ساختن آن‌ها می‌کند. در چنین حالتی معمولاً یک پرستار مبادرت به فرار دادن اندام جدا شده در کنار یکدیگر می‌کند تا بدین ترتیب از اخراج تمامی اعضا اطمینان حاصل شود. ضمناً خارج نمودن ستون فقرات و جمجمه، طفل مستلزم خرد کردن آن‌هاست. (همان)

۲-۴. سه ماهه سوم

- روش معمول برای سقط جنین در سه ماهه سوم بارداری عبارت است از روش D&x که با اسامی دیگری چون زایمان ناقص یا مکش مغز نیز معروف است. از این روش پس از ماه‌های چهارم یا پنجم بارداری استفاده می‌شود و در ۸۰٪ از موارد، کودک از سلامت کامل جسمی و ذهنی برخوردار بوده و می‌تواند به‌طور طبیعی پا به عرصه وجود بگذارد.

در این روش به کمک ابزار قیچی مانندی تقریباً تمامی بدن کودک را از بطن مادر بیرون کشیده و پیش از بیرون کشیدن آن به‌طور کامل مبادرت به فروکردن میله‌ای نوک تیز به پشت سر او کرده و بعد از آن عمل مکش و اخراج محتویات جمجمه را انجام می‌دهند و آنگاه جسم مرده وی را از رحم بیرون می‌کشند.



- روش سزارین معمولاً به عنوان ایمن ترین روش شناخته شده است که در این مرحله به اجرا درمی آید این نکته را باید در نظر داشت که پزشکان از انجام سقط جنین در این مرحله ابا و اکراه دارند و تقریباً تمامی آنان معتقدند در این مرحله هیچ دلیل خاصی برای به قتل رساندن کودک وجود ندارد. (1966, Vanderbilt, Boehm)

۳- موافقان و مخالفان سقط جنین

۳-۱. ادله موافقان

دلایل ارائه شده برای مشروعیت سقط جنین را می توان در سه محور کلی مورد بررسی قرارداد که عبارتند از:

- ۱-۲ دلایل فردی از قبیل تسکین آلام طاقت فرسای ناشی از فقر تجاوزات جنسی و ...
- ۲-۱-۲ دلایل اجتماعی چون جلوگیری از شیوع معلولیت های جسمی و ذهنی
- ۳-۲-۱ انطباق حقوق و واقعیات اجتماعی ملاحظات اقتصادی و داده های پزشکی که در زیر به بیان اجمالی این دلایل خواهیم پرداخت

- منع قانونی سقط جنین موجب توقف آن نمی گردد؛ بلکه موجب هدایت افراد به سوی شیوه های ناصحیح و خطرناک شده و در نتیجه آمار مرگ و میر در میان زنان و نتیجتاً حجم خسارات اقتصادی را بالا خواهد برد برای نمونه، در طول دو دهه ممنوعیت سقط جنین در ایالات متحده دست کم یک میلیون مورد سقط جنین گزارش شده است که در نتیجه آن هزاران زن به کام مرگ کشیده شده اند و ده ها هزار تن با جراحات شدید جسمی مواجه گشته اند.

- قانونی بودن سقط جنین به معنای امکان مراجعه به مراکز پزشکی مجهز و دریافت خدمات تخصصی است، که خود به خود در موارد بسیاری مانع از بروز پیچیدگی های ناشی از سقط جنین و نهایتاً متضمن حفظ بهداشت جسمی و روانی در زنان است. - شأن انسانی یک زن به مراتب و از نقطه نظر عقلی بیش از یک جنین در هر مرحله سنی می باشد. از طرفی همین اولویت در شأن انسانی در بردارنده اولویت در اختیار نوع حیات و کیفیت آن توسط زنان (مادران) است و اتخاذ هر نوع رویه دیگر موجب بروز بی عدالتی در حق زن می گردد.

- مادر شدن یا بودن برای یک زن فقط یک انتخاب و یکی از روش هایی است که او به عنوان موجودی انسانی و در پرتو حقوق بشری خود می تواند برگزیند و مجبور ساختن زن به انتخاب این روش در واقع به منزله نقض حقوق بشری اوست. بنابراین امکان استفاده قانونمند از تجهیزات و روش های مطمئن برای سقط جنین توسط زنان به معنای متمتع گشتن آنان از لوازم حق ایشان بر حیات است.

- وضع قوانینی که استمرار بارداری را اجباری می نمایند به منزله نقض آزادی های اجتماعی و در نهایت نقض حقوق بشر است؛ زیرا بارداری یکی از خصوصی ترین امور انسانی به شمار می رود و دخالت در آن به منزله دخالت در امور خصوصی انسان ها به شمار می رود. بدین سان اگر دولتی صلاحیت و قدرت مداخله در خصوصی ترین روابط انسانی را داشته باشد، در کجا می توان آن را متوقف ساخت؟

- روابط جنسی زود هنگام یکی از واقعیات انکارناپذیر حیات اجتماعی بشر معاصر است لذا نامشروع اعلام کردن سقط جنین، قهراً به منزله بالا رفتن آمار زایمان در میان افراد کمتر از ۱۸ سال یعنی کودکان و رشد پدیده کودک مادری است که تبعات سوء اجتماعی آن بر کسی پوشیده نیست و از لحاظ فردی نیز به معنای مجازات کردن انسان های زیر ۱۸ سال و خانوادهاشان به دلیل جهالت و ناآگاهی و کم تجربگی و محکوم ساختن آنان به تحمل ابدی آثار ناشی از فعل خود یا غیراست که در این مورد خاص اصولاً عملی نا عادلانه به شمار می رود.

- غیرقانونی بودن سقط جنین موجب تولد کودکان ناخواسته و نامقبول ناشی از بارداری های غیرمنتظره می گردد. بدیهی است درصد بالایی از نرخ جرائم در جوامع توسط همین کودکان ناخواسته که همواره از موهبت الهی عشق مادری در طول حیات خویش محروم بوده اند به وقوع می پیوندد.

آدرس دبیرخانه همایش: آذربایجان شرقی، مراغه، بلوار شهید درخشسی، مجتمع اداری و آموزشی

دانشگاه آزاد اسلامی مراغه، ساختمان اداری اندیشه شهید سلیمانی، طبقه دوم

تلفن تماس: ۰۴۱۳۷۲۵۵۸۳ - ۰۴۱۳۷۲۵۲۵۰۶ - داخلی ۳۳۶ و ۳۳۳



- غیرقانونی بودن سقط جنین امکان اختیار تنظیم خانواده را زایل می‌سازد و در نتیجه بسیاری از خانواده‌ها به دلیل افزون گشتن اعضای جدید، از جهات مختلف دچار عسر و حرج می‌گردند و طبعاً چنین نمی‌تواند با موازین حقوق بشر منطبق باشد. با عنایت به مطالب از پیش گفته شده طرفداران سقط جنین برآنند در جوامعی که ارزش اجتماعی زن از دریچه حقوق بشر مورد احترام قرار دارد سقط جنین عملی مشروع به شمار رود.

۲-۳. ادله مخالفان سقط جنین

در مقابل دلایل از پیش گفته شده مخالفان سقط جنین نیز دلایلی را برای اثبات حقانیت خود ارائه می‌کنند که مهم‌ترین آن‌ها به شرح زیر عبارت‌اند از:

- حیات موجود واقع در رحم مادر متعلق به یک موجود انسانی است موجودی که دارای ژنوم انسانی بوده وزنده تلقی می‌شود و عاری معرفی کردن این موجود از شخصیت انسانی یک اظهار نظر غیرعلمی است از طرفی بر مبنای اصول شناخته شده حقوق بشر، شأن انسانی انسان ربطی به میزان تکامل و بلوغ جسمی یا عقلی او ندارد و حق مادر بر اختیار، نمی‌تواند و نباید نافی این شأن ذاتی تلقی گردد به ویژه آنگاه که موافقان با سقط جنین نتوانسته‌اند غیر انسان بودن جنین را از دریچه علم به اثبات رسانند و همواره این موضوع را با نگاه تردید نگریسته‌اند به این ترتیب چگونه می‌توان در حالت، تردید حکم به قتل جنین داد؟
- با توجه به اینکه انسان بودن جنین از نظر علمی به اثبات رسیده است پس جنین عقلاً صاحب شخصیت است و از این حیث نمی‌توان آن را مملوک یا مایملک تلقی کرده و نسبت به حیات او اتخاذ تصمیم نمود. برگزیدن هر روش دیگری موجب احیای تفکر برده‌داری می‌گردد

- حیات موجود انسانی مستقر در رحم مادر به مادر وابسته است ولی بخش یا عضوی از اعضای بدن او نیست تا تحت تأثیر اراده زن قرار گیرد. اجزای بدن و حتی احساسات جنین از نظر ژنتیکی کاملاً مستقل از مادر است.

- سقط جنین موجب تحمیل آسیب و آزار بر نوع بشر است، از آن جهت که مجوز نابود ساختن موجودات دارای DNA انسانی را صادر می‌کند. انسان، انسان است حتی اگر از تمامی حواس محروم باشد و اتفاقاً به همین سبب باید تحت حمایت قانون قرار گیرد؛ زیرا شخصیت انسانی با ماهیت انسان گره خورده است نه با توان عملکردی ارگانیسم او و شاید به همین دلیل است که حتی اکثر مادرانی که مبادرت به ساقط کردن اطفال خود می‌کنند غالباً با مشکلات روحی مواجه می‌گردند.

- در برخی موارد طرفداران سقط جنین تعدیات جنسی را محملی برای مشروع نمایاندن سقط تلقی می‌کنند. تجاوز جنسی عملی ضد بشری وحشتناک و دارای عواقب بسیار سوء بر قربانی است؛ باین حال نباید فراموش ساخت جنین به وجود آمده از این فعل موجودی میرا از جرم فاعل تجاوز محسوب می‌شود و به قتل رساندن او در واقع به معنای تحمیل مسئولیت جزایی غیر بر اوست که خود نقض فاحش اصول کلی حقوق جزا و حقوق بشر است و از طرفی بر اساس آمارهای موجود پزشکی، تنها درصد بسیار پایینی از تجاوزات جنسی منجر به بارداری می‌گردند.

- منع کردن زن باردار از به قتل رساندن جنین موجود در بطن وی، به همان اندازه موجب محرومیت او از آزادی فردی است که منع کردن وی از ارتکاب سایر جرائم چون سرقت خیانت‌درامانت و ... ممکن است موجب این امر تلقی گردد ارج نهادن به شخصیت و شأن انسانی زن هرگز به مفهوم اعطای جواز ارتکاب جرائم به او نیست.

- اگرچه جمعیت جهان رو به فزونی است و کنترل آن حیاتی می‌نماید؛ ولی سرسخت‌ترین کشورهای طرفدار سقط جنین کشورهایی هستند که دارای رشد منفی جمعیت به شمار می‌روند مضاف بر این نمی‌توان معتقد بود برای جلوگیری از رشد جمعیت ارتکاب اعمالی چون کشتار دسته‌جمعی کاربرد سلاح‌های کشتار جمعی و ... مشروع است.

ملاحظه می‌گردد مخالفان سقط جنین اصولاً جنین را از لحاظ علمی انسان و در نتیجه دارای شخصیت انسانی تلقی کرده و نابود ساختن او را جرمی در ردیف سایر جرائم و در نهایت نقض حقوق بشر به شمار می‌آورند و بر آنند که حق مادر بر اختیار نوع و



کیفیت حیات نباید منشأ صدور مجوز برای قتل جنین باشد؛ کما اینکه حق هیچ انسانی بر دستیابی به زندگی بهتر نباید به واسطه قتل سایر انسان‌ها تضمین گردد.

در حقوق ایران پیش از انقلاب اسلامی سقط حمل ممنوع بود، به جز مواردی که حفظ حیات مادر منوط به آن بود ماده ۱۸۰ قانون مجازات عمومی مقرر می‌داشت هرکسی به واسطه ضرب یا هر نوع اذیتی موجب سقوط حمل زنی گردد به حبس جنایی درجه یک از سه تا ده سال محکوم خواهد شد» ماده ۱۸۱ همان قانون تصریح می‌کرد هر کس به واسطه دادن ادویه یا وسایل دیگری موجب سقط حمل زنی گردد، جزای او از یک تا سه سال حبس جنحه ای است و اگر زن حامله را دلالت به استعمال وسایل مذکور کند، جزای او از سه تا شش ماه حبس جنحه ای خواهد بود.

۴- سقط جنین در قوانین جزایی ایران

۴-۱. تاریخچه

ماده ۱۸۲ قانون مجازات عمومی در مورد مجازات مادر اعلام می‌کرد زنی که عالمأ اجازه طبیب، راضی به خوردن ادویه یا ماکولات یا مشروبات یا استعمال وسایل مذکوره شده یا تمکین از استعمال آن وسایل کرده و به این واسطه حمل خود را ساقط کرده باشد مجازات او از یک تا سه سال حبس جنحه ای است و اگر این اقدام زن در نتیجه امر شوهر خود باشد زن از مجازات معاف و شوهر به مجازات مذکور محکوم خواهد شد» ماده ۱۸۳ قانون مزبور نیز بیان می‌کند طبیب یا قابله با جراح یا دوا فروش و اشخاصی که به‌عنوان طبابت یا قابلگی یا جراحی یا دوا فروشی وسایل سقط حمل را فراهم آورند به سه تا ده سال حبس جنایی درجه یک محکوم خواهند شد مگر این که ثابت شود که این اقدام طبیب یا قابله یا جراح برای حفظ حیات مادر است». نکته‌ای که در این مواد به چشم می‌خورد آن است که قانون‌گذار سقط حمل را ممنوع اعلام کرده است. لفظ حمل نسبت به جنین دارای معنای اخص، است زیرا حمل مرحله‌ای از رشد و نمو جنین است که تکامل بیشتری در آن مشاهده می‌شود و اغلب دارای آثار حیات است. (کار دفتر بهداشت و درمان قضایی و حقوقی مرکز پژوهش‌های مجلس، ۱۳۸۱: ۷ و ۶)

آیین‌نامه اجرایی ماده ۴۲ قانون مجازات عمومی که ناظر بر عوامل موجهه جرم بود درباره مواردی که سقط حمل توسط پزشک مجاز است از قانون مجازات عمومی تجاوز کرده بود و سقط حمل را به نجات جان مادر منحصر کرده بود ماده ۳ این آیین‌نامه مقرر می‌داشت که در شرایط زیر پزشک می‌تواند به قطع دوران بارداری اقدام کند

- علل و جهاتی که زوجین برای قطع دوران بارداری اعلام می‌کنند به نظر پزشک کافی و موجه باشد.

- خطر جسمانی قابل پیش‌بینی برای زن وجود نداشته باشد.

- بیش از ۱۲ هفته از شروع بارداری نگذشته باشد.

به‌علاوه ماده ۱۷ آیین‌نامه انتظامی نظام پزشکی نیز که در سال ۱۳۴۸ به تصویب کمیسیون‌های مشترک بهداری و دادگستری مجلسین وقت رسیده تشریفات را برای سقط جنین توسط پزشکان ذکر می‌کند در مواردی که سقط جنینی برای سلامت جان مادر لازم باشد پزشک موظف است در بیمارستان و پس از مشاوره و تصویب دو نفر پزشک دیگر اقدام کند. در این صورت باید ظرف ۲۴ ساعت گزارش امر را با ذکر دلیل، نام محل و اسامی پزشکان مشاور به هیأت مدیره نظام پزشکی ارسال دارد. در صورتی که در محل بیمارستان و پزشک دیگری نباشد و انتقال بیمار به محلی که دارای بیمارستان و پزشک است میسر نشود پزشک می‌تواند برای حفظ سلامت و جان مادر اقدام و گزارش امر را با دلایل کافی به هیأت مدیره نظام پزشکی در عرض ۲۴ ساعت اطلاع دهد. بدین ترتیب به پزشکان اجازه داده می‌شد برای سلامت جان مادر اقدام به سقط جنین کنند؛ صرف‌نظر از این که حفظ جان مادر متوقف بر سقط باشد یا تنها برای سلامت مادر این کار لازم باشد و صرف‌نظر از این که در جنین روح دمیده شده باشد یا نه.



از آنجاکه انقلاب باهدف تحقق مبانی و احکام اسلام صورت گرفت قوانین جزایی به صورت کلی تغییر یافت و در تدوین آن از شرع استفاده شد.

از جمله آیه ۵ سوره انعام (و لا تقتلوا النفس الّتی حرم الله الا بالحق) که دلالت بر حرمت قتل دارد. البته در دلالت این آیه در مورد سقط جنین پس از ولوج روح و تکامل آن ایرادی نیست، لکن قبل از ولوج روح جنین در مرحله حیات نباتی است و دلالت این آیات بر جنین قبل از دمیده شدن روح مشکل است.

هم‌اکنون در قانون مدنی و قانون مجازات اسلامی واژه جنین به مفهوم عرفی و لغوی آن به کار رفته است. قانون مدنی در مواد: ۸۵۱، ۸۵۲، ۸۷۵، ۸۷۸، ۹۵۷ و ۹۹۳ از این مفهوم استفاده کرده است، منظور از جنین در مواد ۷۱۶ تا ۷۲۰ قانون مجازات اسلامی مصوب سال ۱۳۹۲ و همچنین مواد ۶۲۲ تا ۶۲۴ کتاب تعزیرات و مجازات بازدارنده مصوب سال ۱۳۷۵ همان جنین به مفهوم عرفی آن است که از زمان انعقاد نطفه و به عبارت دقیق‌تر از زمان تحقق لقاح تا زمان وضع حمل را شامل می‌شود. (بیگی، ۱۴۰۱: ۲۳)

۲- انواع سقط جنین از دیدگاه حقوقی ایران
در حقوق ایران سقط جنین را می‌توان از چهار زاویه مورد بررسی قرار داد.

۲-۴. سقط جنین جزایی و علل آن

حقوق جزای کنونی ایران که منشأ آن حقوق اسلامی است بر آن نیست که جنین از لحظه لقاح دارای ماهیتی انسانی می‌باشد و بدین ترتیب جنین را در شش حالت یا مرحله بررسی می‌کند که عبارت‌اند از: ۱- نطفه مستقر در رحم ۲- علقه یا خون بسته ۳- مضغه یا نطفه‌ای که مبدل به گوشت شده است ۴- عظم، جنین در مرحله تشکیل استخوان ۵- لحم، جنینی که استخوان‌بندی و رویش گوشت در آن کامل شده است؛ ولی هنوز فاقد روح می‌باشد ۶- جنین دارای روح (ماده ۷۱۶ قانون مجازات اسلامی)
اگرچه سقط جنین در هر یک از مراحل پیش‌گفته عنوان جزایی داشته و قابل مجازات است؛ لیکن مشاهده می‌شود جنین صرفاً در آخرین مرحله از مراحل حیات جنینی خود انسان به شمار رفته و قتل آن مستلزم پرداخت دیه کامل خواهد بود باین حال این معنا نیز محل تردید است زیرا از بین بردن جنین دارای روح مشمول عنوان قتل نمی‌شود؛ بنابراین متضمن قصاص نمی‌باشد و از این حیث می‌توان بر آن بود که از نظر حقوق جزای اسلامی اصولاً جنین دارای ماهیت خاصی است و با وجود دارا بودن روح ممکن است به مفهوم واقعی کلمه انسان تلقی نشود و شخصیت نیز در او بازنده متولد شدن تکوین می‌یابد مع الوصف تشخیص انسان بودن جنین امری است که قانون آن را بر عهده علم پزشکی قرار داده است.
عوامل زیر می‌توانند از علل جزایی سقط جنین باشند:

۱-۲ عوامل اقتصادی: در برخی موارد مثلاً زمانی که پدر خانواده در زندان و مادر تنگدست باشد و فرزندان موجود هم در وضعیت بهداشتی مناسبی نباشند، ادامه بارداری مادر و تولد فرزند جدید وضعیت را بدتر خواهد نمود. لذا اگرچه تنگ‌دستی و مشکلات اقتصادی مستقیماً مبنای تجویز فسخ بارداری نیست، ولی تحت شرایطی به دلیل تهدید سلامتی مادر و یا سایر فرزندان می‌تواند مجاز تلقی گردد.

آیه ۳۱ سوره اسراء می‌فرماید فرزندان را از بیم تنگدستی نکشید؛ ما هستیم که به آن‌ها روزی می‌بخشیم و نیز به شما؛ آری کشتن آنان همواره گناهی است بزرگ بنابراین مسائل اقتصادی نمی‌تواند مجوزی برای سقط جنین باشد. به نظر می‌رسد این آیه عمومیت دارد و فرزندان سالم و غیرسالم را شامل می‌شود. در این زمینه نیز اگر بتوان احراز نمود که تولد فرزند آتی به دلیل تحمیل هزینه‌های سنگین موجب عسر و حرج خانواده می‌شود و وضعیت فرزندان دیگر را نیز بغرنج می‌کند چه بسا بتوان با استناد به قاعده عسر و حرج و در صورت صدور حکم حکومتی این عامل را نیز مجوز سقط دانست. البته در این زمینه باید با احتیاط کامل عمل کرد و نباید دامنه مسئله را به اندازه‌ای وسعت داد که سوءاستفاده شود.



۳-۴. بارداری‌های ناشی از تجاوز و زنا با محارم

یکی دیگر از مواردی که در برخی کشورها جواز سقط جنین است بارداری‌های ناشی از تجاوز به عنف یا زنا با محارم است. حفظ دنیا آوردن جنین ناشی از این روابط به‌ویژه در تجاوز به عنف تهدیدی علیه آبرو و حیثیت خانوادگی است و در جوامع آزادتر باعث بیماری و فشار روانی برای زن باردار می‌شود. قانون سقط درمانی ایران در خصوص این مسئله سکوت کرده است. قانون‌گذار ما میان سقط جنین ناشی از رابطه مشروع و نامشروع تفاوتی نمی‌گذارد و هر دو را ممنوع می‌داند.

به‌رحال باید در این زمینه به واقعیت‌ها و شرایط اجتماعی نیز توجه داشت زنا یا قربانی خشونت جنسی دچار آسیب‌های روانی و عاطفی می‌شوند و ممکن است وجود فرزند ناشی از این رابطه برای همیشه بر زندگی عادی آنان تأثیر منفی بگذارد می‌توان گفت اگر بارداری ناشی از تجاوز به دختر باشد که اراده او دخالتی در بارداری نداشته است تنها در موارد بحرانی و پیش‌بینی آسیب‌های واقعی جسمی و روحی- روانی که قابل انطباق بر قواعد عسر و حرج و ضرر و اضطرار باشد و توسط خود او نیز ثابت شود بدون اجرای حد امکان سقط برای او مطرح است (عباس، رضوانی، قاسمی پور، ۱۳۹۴: ۱۱۶-۱۰۷)

سرنوشت کودکان متولدشده در نتیجه رابطه زنا یا ناشی از محارم به‌مراتب بدتر خواهد بود چراکه آن‌ها از سوی خانواده آشنایان و جامعه مورد پذیرش قرار نمی‌گیرند و این امر ممکن است آثار بسیار زیانباری بر زندگی آتی آن‌ها داشته باشد و چه‌بسا خود آن‌ها در آینده بزه‌کار یا بزه دیده شوند گفته می‌شود در رابطه زنا یا محارم برخلاف تجاوز رضایت زن نیز مطرح است و بنابراین به‌هیچ‌وجه نمی‌توان حکم به جواز سقط جنین داد.

پاره‌ای از مدافعین سقط جنین بر این باورند که زن در مورد زنا یا محارم، بهتر است از بارداری جلوگیری کند ولی چنانچه طفلی متولد شود واجد حق است و لذا این امر مستلزم کشتن جنین است به نظر آنان این امر دقیقاً بدان جهت است که مادر ترجیح می‌دهد به کودکی که از طریق قانونی و شرعی متولدشده عشق بورزد تا به بچه‌ای که با رابطه‌ای نامشروع به دنیا آمده است از این‌روست که او مجاز به‌گزینش سقط جنین می‌گردد. (۲۵) با توجه به مطالب مطروحه و با عنایت به وضعیت روانی مادر، حیثیت خانوادگی مادر و وضعیت فرزندان متولدشده از این رابطه و آینده آن‌ها در مواردی می‌توان با در نظر گرفتن کلیه شرایط حکم به سقط جنین داد.

۴-۴. رهیافت اخلاقی به سقط جنین ناشی از تجاوز به عنف

با مبنا قرار دادن اصول کلی اخلاقی، می‌توان سقط جنین ناشی از تجاوز به عنف را مجاز دانست. به این معنا که اگر مادری جنین ناشی از تجاوز جنسی را سقط نماید کسی نباید او را از منظر اخلاقی سرزنش کند. مهم‌ترین دلایل جواز این اقدام به شرح زیر است:

۴-۴-۱. اصل حق شخص بر تن خویش

حق انسان بر تن خود از طبیعی‌ترین حقوق انسانی است که متفرع بر حق حیات و زیستن است. این حق شامل همه اجزای بدن می‌شود و در نتیجه هیچ‌کس حق ندارد عضوی از اعضای تن دیگری را از میان ببرد و یا عضوی را بی رضایت او مورد استفاده قرار دهد احترام به تن افراد مانند احترام به جان او از احکام مسلم در اخلاق و به تبع آن در قلمرو قواعد حقوقی است این حق در شریعت اسلام تا جایی محترم شمرده شده که حتی اهانت به بدن مردگان نیز حرام و در مواردی مستوجب دیه شناخته شده است. (Hosseini moghadam, 1387: 170-153)

زن نیز حق منع تعرض به خویش برخوردار است و چون نمی‌تواند رحم زن را بی‌اجازه او تصرف کند، این حق برای او ایجاد می‌شود که در صورتی در اثر تعرض به او دارای حمل گردد، بتواند آن را سقط کند و از منظر اخلاقی اقدام او موجه به نظر می‌رسد.



۴-۴-۲. اصل مشروع بودن حق دفاع از خویش

یکی از حقوق مسلم اخلاقی و قانونی انسان، حق دفاع از خود در برابر هرگونه تهاجم دیگری است. وجوب دفع خطر از خود از بدیهیات عقلی است که شرع نیز آن را تأیید کرده است. به این معنا که اگر کسی به ناحق مورد تهاجم دیگری قرار گیرد می‌تواند و باید از خود در برابر مهاجم دفاع کند. در صورتی که دفاع متناسب با تهاجم باشد و به قتل مهاجم منجر شود، اقدام مدافع مشروع بوده و جرم محسوب نخواهد شد و در نتیجه مجازاتی بر او مترتب نخواهد بود. طبق این قاعده مسلم و مقبول که مبنای اخلاقی دارد و در قلمرو حقوق نیز از آن به دفاع مشروع یاد می‌شود اگر فردی توسط دیگری مورد تعرض و تجاوز جسمی یا جنسی قرار گیرد می‌تواند برای حفظ جان و ناموس و حیثیت و شرف خود با رعایت قاعده (الاسهل فالاسهل) به هرگونه اقدامی دفاعی مباردت ورزد و از خود دفاع کند هر چند این دفاع به قتل مهاجم بینجامد. در فرض مزبور جنینی را که در اثر تجاوز نامشروع در رحم او به وجود آمده است سقط نماید و از نظر اخلاقی قابل مواخذه نباشد به عبارت دیگر اگر سقط جنین در مورد تجاوز به عنف را از مقوله دفاع از آبرو و حیثیت خود بدانیم، از نظر اخلاقی می‌توان اقدام مادر را در سقط موجه دانست. (ربانی اصفهانی و حبیب زاده، ۱۳۹۷: ۱۶۲)

۴-۴-۳. اصل رعایت عدالت

درک شهودی ما از عدالت این اجازه را به افراد مورد تجاوز می‌دهد که در مقابل متجاوز ایستادگی کند و جامعه نیز وظیفه دارد علاوه بر دفاع از او در حین تجاوز، به رفع هرگونه آثار تجاوز نسبت به او نیز عادلانه تصمیم بگیرد لذا عدالت ایجاب می‌کند زنی که مورد تجاوز به عنف قرار گرفته و باردار گردیده است مجاز باشد تا در انتخاب ادامه بارداری و یا سقط آن آزاد باشد و به لحاظ اخلاقی سرزنش نشود زیرا اقتضای عدالت داشتن مسؤلیت در مقابل اعمال ارادی است نه حوادث و وقایع تحمیلی که خارج از اراده مرتکب بوده است. بنابراین وقتی زنی ناخواسته و به زور باردار شده است عدالت ایجاب می‌کند که وی را مسئول تحمل نتایج عمل دیگری ندانیم و در صورتی که حمل را سقط کرد او را مسئول ندانیم.

از بابت رهیافت قانونی نسبت به سقط جنین در بارداری ناشی از تجاوز به عنف، در حقوق ایران تا قبل از تصویب قانون سقط درمانی مصوب ۱۳۸۴ ش، اجازه سقط جنین جز در مواردی که حیات مادر در خطر بود، وجود نداشت، اما با تصویب قانون مذکور سقط جنین با اهداف درمانی مجاز و قانونمند شده است. تصویب قانون مذکور با توجه به عوارض ناشی از سقط‌های غیرعلمی و غیربهداشتی و با رعایت ملاحظات فقهی و فتاوی فقها، از جمله مقام رهبری، از ضروریات جامعه کنونی ایران بود که از جمله سقط جنینی را که منجر به تولد نوزاد ناقص الخلقه و عقب مانده می‌شد مجاز اعلام کرد. (143-172: 1390, Abrosh) این قانون گام بسیار مؤثر در جهت کاهش عسر و حرج مادر و فرزند، کاهش سقط جنین‌های غیرقانونی و غیربهداشتی محسوب می‌شود و در عمل قلمرو وصف مجرمانه این اقدامات را محدود کرده است، لیکن به رغم مزایای قانون، در خصوص سقط جنین ناشی از تجاوز به عنف فاقد حکم است و در نتیجه وضعیت زن آسیب دیده از تجاوز از نظر موازین قانونی در پرده‌ای از ابهام قرار دارد و نمی‌توان با قانون موجود برای آن راه حل مناسب و قابل قبول یافت، زیرا قانون گذار، سقط جنین حاصل از رابطه مشروع و نامشروع را یکسان شمرده است و برای هر دو مورد در فرضی که مشمول سقط جنین با اهداف درمانی نباشد، حکم به منع و در نتیجه تحقق وصف مجرمانه داده است.

۴-۴-۴. سقط جنین درمانی

سقط جنین به منظور درمان عبارت است از انداختن یا افتادن جنین قبل از نمو کامل یا تولد طبیعی به دلیل اضطراب و به منظور حفظ جان مادر یا دلایل دیگری چون جلوگیری از تولد اطفال معلول جسمی یا ذهنی. با این وصف در حقوق جزای ایران صرفاً



سقط جنین درمانی برای حفظ حیات مادر مجاز به شمار می‌رود؛ لیکن در حالت اخیر نیز مسئولیت ساقط کننده در پرداخت دیه زایل نمی‌گردد.

امروزه سقط درمانی بنا به دلایلی از جمله حفظ سلامتی و زندگی مادر یا جنین یا معلولیت جنین و دلایل دیگری مانند بارداری ناشی از تجاوز به عنف و زنا در بیشتر نظام‌های حقوقی پذیرفته شده است. اما مؤلفه‌ها، شرایط پذیرش و اعمال آن در کشورهای جهان متفاوت است.

سازمان ملل متحد شرایطی که در کشورهای مختلف جهان سقط جنین مجاز است را برشمرده که شامل موارد زیر می‌باشد

- حفظ جان مادر
- حفظ سلامت جسمانی زن
- حفظ سلامت روانی زن
- وضعیت جنین‌های ناشی از تجاوز به عنف و زنا با محارم
- ناقص بودن جنین
- دلایل اقتصادی و اجتماعی
- خواست خودزن (عباسی، رضوانی و قاسمی پور، ۱۳۹۴: ۱۰۸)

۵- موارد مربوط به مادر باردار

تقریباً در تمام نظام‌های حقوقی انجام سقط جنین برای حفظ جان مادر پذیرفته شده است به‌طور کلی در کشورهای مختلف حالاتی از جمله نارسایی کلیه، رتینوپاتی دیابتی، بیماری‌های سلولی داسی شکل، بیماری‌های قلبی، اشعه درمانی و شیمی‌درمانی مواردی از نجات جان مادر تلقی شده‌اند که در این موارد ختم بارداری مجاز است.

ماده ۶۲۳ قانون مجازات اسلامی ایران مصوب سال ۱۳۷۵ پس از تعیین کیفر برای افرادی که موجب سقط جنین زن حامله شده‌اند یا وی را به استعمال ادویه و سایر وسایل برای سقط ترغیب کرده‌اند مقرر می‌دارد مگر این که ثابت شود این اقدام برای حفظ حیات مادر می‌باشد به‌رغم این که این اجازه را محدود به زمان قبل از ولوج روح می‌دانند اما برخی از نویسندگان خلاف این نظر را ابراز می‌کنند. به‌علاوه در تبصره ماده ۷۱۸ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ بیان گردیده هرگاه جنینی که بقای آن برای مادر خطر جانی دارد به‌منظور حفظ نفس مادر سقط شود، دیه ثابت نمی‌شود بنابراین قانون‌گذار در مقام بیان آخرین اراده خود دیگر بار سقط جنین را برای نجات جان مادر بدون تصریح در تقید زمانی، نه تنها قابل مجازات ندانسته بلکه ضمان پرداخت دیه را نیز مرتفع نموده است به‌نحوی که همگرا با ماده ۶۲۳ قانون تعزیرات جمع تبصره فوق‌الذکر و ماده مزبور حاکی از جرم‌زدایی به معنای خاص و رفع ضمان در موارد سقط جنین به‌واسطه نجات جان مادر است. به‌رغم اخیر التصویب بودن قانون جدید و با توجه به نظریات فقهی و ادله اصولی و اخلاقی خصوصاً پیش‌فرض تحقق فعلیت کرامت انسانی هم‌زمان با ولوج روح منشأ از ذات الهی در آموزه و حیانی کماکان باید تقیید مندرج در قانون سقط درمانی ۱۳۸۴ در نظام حقوقی ما نفوذ داشته باشد. مع‌هذا دست‌کم در فرض تهدید جانی مادر و جنین به وجهی که اقدام یا عدم اقدام منجر به مرگ جنین قطعاً یا محتملاً خواهد گردید اما اقدام به سقط درمانی لاقلاً متضمن احتمال عقلایی در نجات جان مادر خواهد بود تصمیم به سقط جنین امری شرعی و اخلاقی است به‌ویژه این که در پاره‌های از موارد ممکن است اقدام در حفظ حیات مادر با سقط جنین بدون این که ارتکاب آن مورد نظر باشد ملازمه داشته باشد که در چنین مواردی نیز می‌توان گفت که سقط جنین به معنای واقعی مصداق ندارد بلکه در جریان اقدامات احیایی برای مادر سقط جنین رخ داده است. البته شرایط مختلفی چون امکان نجات توأمان مادر و جنین درصد شانس زنده ماندن هر یک از آن‌ها سن جنین و قابلیت زیست او با اعمال زایمان زودرس و ... جهت انتخاب بهترین تصمیم باید لحاظ شود.



به‌رحال قانون سقط درمانی مصوب ۱۳۸۴، به‌عنوان ضابطه اصلی سقط‌جنین درمانی در حقوق ایران، اشعار می‌دارد سقط درمانی با تشخیص قطعی سه پزشک متخصص و تأیید پزشکی قانونی مبنی بر بیماری جنین که به علت عقب‌افتادگی یا ناقص‌الخلقه بودن موجب حرج مادر است و یا بیماری مادر که با تهدید جانی وی توأم باشد قبل از ولوج روح چهارماهگی با رضایت زن مجاز می‌باشد و مجازات و مسؤلیتی متوجه پزشک مباشر نخواهد بود در این قانون بیماری زن باردار که با تهدید جانی او همراه است از دلایل جواز سقط‌جنین شمرده‌شده است بیماری مادر عبارت است از وضعیت بالینی و پزشکی مادر که ادامه بارداری در آن تهدید جانی برای او تلقی شود. در اینجا، ملاک عرف پزشکی و نظر متخصصان است.

آنچه اکنون محل آزمون، است این نظریه است که پس از دمیده شدن روح شرعاً- سقط در شرایط ویژه روا است یا نه؟ همواره در طول تاریخ، زنان زیادی در دوران بارداری به دلایل مختلف جان خود را از دست‌داده‌اند و در دوره کنونی باید تلاش بیشتری برای حفظ جان مادر صرف. گردد آنجا که زندگی مادر به‌یقین در معرض تهدید و با ادامه بارداری مرگ او قطعی باشد پیش از دمیده شدن روح بی‌گمان سقط روا خواهد بود اما پس‌از آن نیز دارای مباحث متعددی به شرح است.

نخست، حکم وجوب حفظ جان مادر و حکم ناروایی کشتن جنین تراحم دارد اگر هر دو جان را به خاطر حرمتی که دارد برابر بدانیم و هیچ دلیلی برای برتری دادن یکی بر دیگری نیابیم بازهم می‌توان گفت با تراحم دو حکم شرعی اگر دلیلی برای برتری یکی یافته نشود. عقل حکم به آزادی‌گزینش می‌کند (انصاری، ۱۳۱۹: ۴۱). بنابراین زن باردار بین حفظ جان خود یا زنده ماندن جنین آزاد خواهد بود و سقط از دید شرع ناروا دانسته نمی‌شود

دوم، مادر می‌تواند در دفاع از خود جنین را سقط کند. همان‌گونه که دفاع برای حفظ جان در شرع روا و بلکه واجب دانسته شده فرقی ندارد که دفاع در برابر عامل بیرونی باشد یا درونی در اینجا جنین همچون دشمنی است که جان مادر را نشانه گرفته او را به مرگ می‌کشد. بنابراین مادر می‌تواند برای حفظ جان خود جنین را حتی پس از دمیده شدن روح، از بین ببرد. بدین‌سان فرقی ندارد که در جنین روح دمیده شده باشد یا نه.

سوم، بر پایه قاعده اضطرار نیز می‌توان سقط را روا دانست چراکه در صورت زنده ماندن جنین مرگ مادر ناگزیر خواهد بود. از آنجاکه تنها جان یکی، مادر یا فرزند را می‌توان حفظ کرد بنابراین مادر ناگزیر می‌تواند با سقط‌جنین جان خود را حفظ کند اگر گفته شود که هیچ‌کدام بر دیگری برتری ندارند و این قاعده را برای جنین نیز می‌شود به کار گرفت می‌توان پاسخ داد که با سقط‌جنین زندگی مادر تضمین می‌شود. اما با مرگ مادر هیچ تضمینی برای زنده ماندن جنین وجود ندارد و در بیشتر موارد و تقریباً همیشه، مرگ مادر به مرگ جنین و پایان گرفتن بارداری می‌انجامد، بنابراین، احتمال حفظ جان مادر بسیار بیشتر از احتمال حفظ جان فرزند است و از این جان مادر برتری می‌یابد و می‌توان قاعده اضطرار را به سود مادر جاری کرد. اجرای قاعده در دو سو با برتری داشتن یک‌سو درست نخواهد بود بلکه از احتمال نیز فراتر می‌رود و طبق نظر پزشکان مرگ جنین در پی مرگ مادر حتمی است. اگر هم جنین زنده به دنیا آید دیگر نه سقط که زایمان زودرس خواهد بود (حاجی علی، ۱۳۸۳: ۸۱-۷۹)

چهارم، به شیوه عقلاً اگر احتمال مرگ کودک را پس از مرگ مادر زیاد ندانیم، بازهم می‌توان مادر را در حفظ جان خود یا فرزندش آزاد دانست از سوی دیگر، زنده به دنیا آمدن جنین پس از مرگ مادر سقط نامیده نمی‌شود سقط آنگاه است که امکان زنده ماندن جنین بیرون از زهدان وجود نداشته باشد و در صورت امکان زنده‌بودن جنین، باید هر چه زودتر از زهدان بیرون آورده شود تا جان مادر نیز در امان بماند.

در مورد سلامت روانی مادر قانون ما سکوت کرده است اما می‌توان با تسری دادن قواعدی مانند قاعده لا ضرر و لا حرج مصرح به وضعیت سلامت روانی زن، این مورد را نیز با برخی شرایط از اسباب قانونی سقط‌جنین دانست در این زمینه نمونه‌هایی قابل‌ذکر است



- ادامه بارداری باعث ایجاد آسیب روانی به مادر است به شکلی که ممکن است جان مادر و به تبع آن نوزاد به خطر بیفتد مانند ابتلای مادر به افسردگی شدیدی که منجر به خودکشی او می‌شود
- ادامه بارداری موجب بیماری مادر است؛ به طوری که تربیت فرزند توسط این مادر به مخاطره افتاده یا موجب بستری شدن او در مراکز روانی خواهد شد. ۱۶ در موارد فوق استناد به قواعد اضطرار و نفی عسر و حرج راه گشا خواهد بود.

۱-۵. سقط جنین ناشی از حوادث غیر عمدی

چنانچه بر اثر بی احتیاطی، بی‌مبالاتی، عدم رعایت نظامات دولتی و یا عدم مهارت راننده وسایل نقلیه، تصادفی حاصل شود که منتهی به سقط جنین گردد، متخلف علاوه بر پرداخت دیه، متحمل حبس از دو ماه تا یک سال می‌گردد. بدیهی است سایر حوادث غیر عمدی منتهی به سقط جنین مشمول سایر عناوین کیفری و پرداخت دیه می‌باشند.

۲-۵. سقط جنین به واسطه ارتکاب جرم یا خشونت علیه زن باردار

چنانچه شخصی با علم نسبت به باردار بودن زن، علیه وی دست به ایراد ضرب زده یا مرتکب اذیت و آزار شود و امر منتهی به سقط جنین گردد علاوه بر پرداخت دیه، حسب مورد نسبت به زن یا جنین یا قصاص به نسبت زن به تحمل حبس از یک الی سه سال محکوم می‌گردد.

با عنایت به موارد مذکور در این بخش واضح است که از نظر حقوق کنونی ایران، جنین دارای ماهیتی منحصر به هر حال انسان تلقی نمی‌شود و ساقط نمودن آن در مرحله از مراحل بارداری حسب مورد فقط مستلزم پرداخت دیه است و شخصیت در او با زنده متولد گشتن محرز می‌گردد. بدین ترتیب می‌توان گفت در حقوق اسلامی ایران حق انسان بر حیات با زنده متولد گشتن او مستقر می‌گردد. (مهرگان، ۱۳۸۴: ۴۳۵)

با توجه به قانون مجازات اسلامی، واژه جنین بدون اشاره به نواقص و معایب جسمی و روانی آن استفاده شده است؛ لذا سلامتی جنین، پیش شرط و نوع سقط نیست، ولی چیزی که از زن سقط می‌شود باید منشأ انسانی داشته باشد تا موضوع سقط جنین قرار گیرد. در این زمینه ماده ۷۲۱ قانون مجازات اسلامی مقرر می‌دارد هرگاه بر اثر جنایت و یا صدمه چیزی از انسان سقط شود که به تشخیص کارشناس مورد وثوق، منشأ انسان بودن آن ثابت نگردد دیه و آرش ندارد لیکن اگر بر اثر آن صدمه‌ای به مادر وارد گردد، حسب مورد دیه و آرش تعیین می‌شود.

با توجه به لایحه جدید قانون مجازات اسلامی مصوب سال ۱۳۹۲ سقط جنین بنا به ماده ۳۰۶ این قانون، در هیچ یک از مراحل رشد آن، قتل محسوب نشده است و حتی در صورت عمدی بودن موجب قصاص نمی‌شود و در تمامی مراحل مجازات دیه دارد. ماده ۳۰۶ قانون مجازات اسلامی جنایت عمدی بر جنین هرچند پس از حلول روح باشد، موجب قصاص نیست. در این صورت مرتکب علاوه بر پرداخت دیه به مجازات تعزیری مقرر در کتاب پنجم تعزیرات محکوم می‌شود.

در حالی که طبق ماده ۹۱ ق تعزیرات سابق (۱۳۶۲)، سقط جنین دارای روح را موجب قصاص می‌دانست و تا قبل از تصویب قانون مجازات اسلامی سال ۱۳۹۲ با توجه به سکوت قانون مجازات مصوب ۱۳۷۰ و قانون تعزیرات مصوب سال ۱۳۷۵ برخی از حقوقدانان به استناد نظر برخی از فقهای امامیه و بعضی از قرائن مذکور در قانون، جنین دارای روح را در حکم انسان متولد شده می‌دانست و همان احکام را در مورد قتل یا نقص عضو و جرح آن مجری می‌دانستند که با تصویب قانون جدید قصاصی نبودن سقط جنین عمدی تصریح شد. (فلاح نژاد، ۱۳۹۲: ۹۳-۹۲)



نتیجه گیری

حق حیات اصولی ترین و بنیادی ترین حق در میان حقوق بشر تلقی می گردد. معذالک نباید از این معنا غافل شد که ترویج تفکر مشروعیت سقط جنین (در سایه فرض علمی انسان بودن او)، به هر دلیلی متضمن نفی و نقض برخی قواعد مسلم حقوق بشر است. اما آنچه واقعیت دارد برخی عوامل چون نارسایی سیستم بدنی جنین، به خطر افتادن جان مادر، جنین حاصل از زنا یا به عنف، بارداری ناخواسته و مشکلات اقتصادی موجود در خانواده ها و ده ها عامل دیگر، در دنیای امروزی عاملی موجه برای سقط جنین شده اند که با توجه به قوانین کشورهای مختلف برخورد با این مقوله در جهان متفاوت است. در نظام حقوقی ایران به جز موارد بسیار نادر، در بقیه موارد سقط جنین از نظر شرعی حرام و در قوانین جزایی مجازات تعیین شده است حال از هر طریقی که جنین به وجود آمده ولو نامشروع. به نظر می رسد حیات بشر بالاترین داشته یک انسان است ولی در شرایطی که جان و روح و روان مادر را به خطر نیندازد و یا پس از تولد جامعه پذیرای آن ولو در شرایط نامشروع هم باشد و حمایت های مالی و حقوقی و عرفی برای تولد یافته، فراهم گردد. که متأسفانه در جامعه امروز ما چنین شرایطی فراهم نیست لذا به نظر می رسد بازنگری دوباره ای در قوانین جزایی مبتنی بر واقعیات زندگی بشری و الهام از احکام ثانویه و البته با حفظ حقوق انسانی و شرعی صورت گیرد.

منابع

- ۱- انصاری، شیخ مرتضی (۱۳۱۹ ق)، **فرائد الاصول**، قم، مجمع الفکر الاسلامی
- ۲- بیگی، جمال (۱۴۰۱)، **امکان سنجی جرم انگاری سقط جنین آزمایشگاهی در حقوق کیفری ایران**، فصلنامه علمی آموزه های فقه و حقوق جزا، سال اول، شماره ۱، شماره پیاپی ۱، بهار ۱۴۰۱
- ۳- حاجی علی، فریبا (۱۳۸۳)، **سقط درمانی و آسیب شناسی اجتماعی آن**، مجله مطالعات زنان، سال دوم، شماره ۶، زمستان ۱۳۸۳.
- ۴- ربانی اصفهانی، حوریه، حبیب زاده، محمدجعفر (۱۳۹۷)، **حق زن در حفظ جنین یا سقط آن در بارداری ناشی از زنا یا به عنف**، فصلنامه حقوق پزشکی، سال دوازدهم، شماره چهارم و پنجم، تابستان ۱۳۹۷.
- ۵- ساکت، محمدحسین، **شخصیت و اهلیت در حقوق مدنی**.
- ۶- عباسی، محمود، رضوانی، سودابه، قاسمی پور، سعیده (۱۳۹۴)، **شرایط تحقق سقط درمانی در پرتو مطالعات تطبیقی**، مجله پزشکی قانونی ایران، دوره ۲۱، شماره ۲، تابستان ۱۳۹۴
- ۷- فیروزآبادی، محمد بن یعقوب، بی تا، **قاموس اللغه**، بیروت، دار الفکر.
- ۸- فلاح نژاد، فاطمه (۱۳۹۲)، **بررسی تطبیقی سقط جنین در قانون مجازات ایران و قانون مجازات روسیه**، پژوهش نامه زنان، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، سال چهارم، شماره دوم، پاییز و زمستان ۱۳۹۲
- ۹- کاردفتر بررسی های حقوقی بهداشت و درمان- قضایی و حقوقی (۱۳۸۱)، **مرکز پژوهش های مجلس شورای اسلامی**، معاونت پژوهش، آبان ۱۳۸۱.
- ۱۰- معلوف، لوئیس (۱۹۶۰ م)، **المنجد فی اللغه و الاعلام**، بیروت، المطبعة الکاتولیکیه، ۱۹۶۰.
- ۱۱- مهربانی، علی (۱۳۸۰)، **نشریه دادرسی**، تهران، ۱۳۸۰.
- ۱۲- مهرگان، امیرحسین (۱۳۸۴)، **سقط جنین و حقوق بشر در آیین حقوق بین الملل**، فصلنامه باروری و ناباروری، پاییز ۱۳۸۴.
- 13- Abrosh H. Abortion in Pregnancy due to Sexual Crimes in the Light of the Law on Abortion. Medical Law Quarterly 1390; 5(17): 143-172.
- 14- F. Boehm, Dr. OB. Vanderbilt U. Med. The Washing- ton Times, May, 1966
- 15- Hosseini Moghadam SA. Abortion Criminal Responsibility. Chapter of Islamic Sciences 1387; 3(12): 132-133.
- 16- R. Yanagimachi, "Mammalian Fertilization", The Physiology of Reproduction, eds. E. Knobil, J. Neill et al, (New York: raven press, 1988.



Abortion in the Light of Iran's Criminal Laws

Maghsoud Zavvar

M.A Student in Department of Criminal Law & Criminology, Maragheh Branch, Islamic Azad University, Maragheh, Iran (Corresponding Author)
Ranginkamans79@gmail.com

Arezou Ghorbani

M.A Student in Private Law, Maragheh Branch, Islamic Azad University, Maragheh, Iran
arezoughorbani21@gmail.com

Abstract

Background & Purpose: Abortion in medical terms is the deliberate, artificial or spontaneous expulsion of a fetus before the natural term in such a way that it does not have the ability to live independently, and from the legal point of view, the expulsion of the fetus before the natural term in such a way that it is not alive or able to live or in other words It means interrupting the natural period of pregnancy. Intentional abortion is considered a crime in most laws, except for the cases that are allowed due to the presence of medical and non-medical reasons.

Research Method: The present research is based on the review of library documents and the description of abortion treatment conditions with the reference of a comparative study in the relevant sources with the aim of a comprehensive review of criminal laws regarding abortion.

Findings: Based on this and referring to the existing penal laws, it is concluded that in the laws of Iran, any type of abortion is considered a crime, except in special cases, and only the penalty of ransom is imposed on it. And its root was also inspired by Islamic jurisprudence and paying attention to the life of the fetus in terms of being human and living being.

Result: The punishment of the fetus in which the soul has been breathed, according to the type of punishment prescribed, is not considered a complete human being, and instead of retribution, it is considered only a ransom. And this has shown a kind of caution of the legislator in dealing with a series of facts necessary for abortion in today's life and facing Islamic jurisprudence.

Keywords: Abortion, Therapeutic Abortion, Criminal Abortion, Right to Life